

بیان واقعات اولیه فجر ظهور صادره در ایام شیراز ۱۵

حضرت باب

اصلی فارسی



توقع بیان واقعات اولیه فجر ظهور - من آثار حضرة الباب - کتاب
ظهور الحق، جلد ۳، الصفحة ۲۲۵ - ۲۲۷

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

قبله محترم دام عز کم تلاوت آیات کریمه را نموده ولی چه بسیار عجب است که اهل بصیرت تابع اقوال مردم و هوای انفس شوند لاجل اتباع حکم دین من حیث لا یعلمون اگر چه از طریقه اهل علم دور است در مقامی که مخاطب ایشان در امری بلا علم واقع و حجت ظاهر شک نماید او را بجواب مجاب فرمایند ولی از آنجائیکه در مقام عبودیت واقف متحمل غیر طریقه اهل حکمت میشود حکم صاحب این امر از دو مرحله خارج نیست یا حق است فطوری لمن اتبعه یا باطل است فالویل لمن عرفه و احبه و شکی نیست از برای امر حق و باطل خداوند عالم علامتی معین فرموده که بآن تمیز داده شود و این علامت تصدیق و تکذیب ناس نخواهد بود بلی تصدیق اهل عدل حجتی است قوی ولیکن امروز تمیز عدول از برای کافه مردم امری است صعب و بهر نفس واجب است که بنفسه تمیز حق از باطل نماید بعد از اثبات این مقدمه شبهه نیست که هر گاه نفسی امروز ادعای بر امری نماید که باعث بر انکار جزئی از ضروریات دین نباشد با حجة وافیه بکل عالم فرض است تصدیق حکم او نمایند و باجماع مذهب امامیه هر گاه امروز حکمی از امام زمان علیه السلام صادر شود و کل اعراض نمایند کافر میشوند زیرا که مناط دین عمل صوم و صلوة نیست بلکه اتباع حکم صادره از خود ایشان است و شبهه نیست که اکثر مردم در مقام اضل از انعام واقع هستند بلکه مؤمن خالص بنص حدیث اقل از کبریت احمر است درین سنه در عمل حج که خدا میداند عدد او را سه نفر در صحیفه امام عدل مکتوب شده که حکم



ORIGINAL

آنرا در خط بغداد نو شتم سائر اعمال مردم را هم مثل این فرض فرمائید و تعجب نفرمائید که امر حق ادق و اعظم ازین است و اکثر هالک هستند الا من شا الله انه عزیز غفور بعد از فوت مرحوم سید مثل سیدی در میانه طائفه ایشان لابد است که در هر عصری باشد معذک از این فتنه خارج نشد مگر همان فقرا از ارض مقدسه هجرت نموده و ایشان در کتاب امام حق اشرف خلق مکتوب اند با وجود آنکه بر سبیل ظاهر کسی اعتنائی بدیشان ندارد و مرادم از ذکر این فقرات حد خلق است که رشحه عالم باشند حال مردم از کسی که مدعی امریست حجت میخواهند چه حجت ازین عظیمتر است که در عجم خداوند عالم کسی را ظاهر فرماید بلسان قرآن که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند نتوانند حرفی از کلمات آنرا بفهمند چه جای آنکه اتیان بمثل نمایند حال از آنچه ظاهر شده چشم پوشیده سوره که در همین ورقه نازل شده کفایت میکند در حجت بودن اهل ارض را هر گاه کل قرآن سوره تبت بود آیا کسی را میرسید که بگوید حجت نیست حاشا و کلا بلکه در حجت بودن این سوره معادل است با حکم قرآن و معجزه جمیع انبیاء و اوصیاء گوی است و میدان این گوی صاحب این امر علما هم اجتماع نموده گوی خود را بمیدان آرند خود شما همیشه قرآن خوانده اید بقدر تلاوت لحن تمیز میدهید بحق خداوندیکه جانم برید اوست که اگر جمیع اهل ارض جمع شوند باینکه یک آیه بیاورند عاجز خواهند شد اگر هم چیزی بیاورند کلمات مسروقه خواهد بود نه این است که از لسان ایشان بر فطرت جاری شود چنانچه در صدر اسلام فصحاء اعراب ادعا نمودند و آخر روسیاه و نخل شدند حقیر شرح سوره یوسف را در چهل روز که هر روزی بعض از آن مینو شتم اتمام نمودم و هر وقت بخوام هر چه بنویسم روح الله مؤید است مثل صحیفه که فرستادم یکشنبه روز منتهای نوشتن هر کس از علماء مدعی آن است بسم الله چنانچه اشخاصیکه مشاهده نوشتن را نموده اند فهمیده اند که چنین امری تا حال از احدی از علماء ظاهر نشده بعد از کتاب و صحیفه حجت خداوند بر کل عالم تمام است و اشخاصی که اقتراء بر امام خود میزنند که آیات و صحیفه ماخوذه از کتاب الله و ادعیه است جزای ایشان با خداوند است از روزیکه این امر ظاهر شده عمل کل خلق باطل است الا بعد از تصدیق و این حکم خداوند است هر کس میخواهد تصدیق کند از برای خودش است هر کس هم تکذیب کند عقوبت بخودش میرسد مرادم از این فقرات این است که از بحر اضطراب خارج شده بر کسی سکون مستقر گردند کلیه اهل بلد را اول قابل ندیدم اظهار کنم بلکه حیف است که بر علم چنین امری غیر اشخاصی که قابل هستند وارد شوند الان هم حکم بلد مثل قبل است هر کس را تصدیق از تبعیت یکدیگر است خداوند سرائر همه را مطلع است آنچه اظهار نمودم تا بحال بحکم الدهر انزلی بود و الا کسی که بر لسان آن حکم شجره طور جاری شود لایق نیست این قسم در مقام عجز با عباد الله مجاهده نماید بحق خداوندی که لسان مرا باین علو حجت فرموده که کل خلق امروز در علم نزد من مثل این قلم جمادی است که درید من است و غرض ازین مقام اظهار نغریه نیست بلکه هر ذی روحی تمیز میدهد که عالی هر گاه وصف کند خود را از برای رتبه مؤخر ظلم بخود کرده زیرا که آن نمیتواند تمیز امر عالی را دهد بلکه از کتمان اسم روز اول ملاحظه همین مزخرفات جنود شیطان را مینمودم حال که ظاهر شده حرفی با کسی نیست حجت نزد هر کس هست کسی هم قادر بر فهمیدن کلمات حقیر نیست که مقصود تدریس و حکم میان خلق باشد همین

قدر حظّ علماء عجز است و حظ عوام تصدیق آنکه اشاره نموده‌اند که مردم کلمات باطل میگویند ضرری نمیرساند اول در حق خداوند گفتند عزیز ابن الله است دوم در حق رسول الله صلی الله علیه و آله گفتند مثل آنچه در حق من گفته‌اند انه لمجنون و خداوند عالم بر ایشان نازل فرموده و ما هو الا ذکر للعالمین کذلک در شأن آل سلام الله علیهم و این سنت سنیه در مبادی عالیّه با ما است بهیچوجه خوفی از احدی نداشته باشید کمثل بیت عنکبوت هستند و هر چه خداوند عالم جاری فرمود خیر است هر گاه نعوذ بالله مردم بنای انکار گذارند محروم خواهند شد از آیات امام خود و حیرت ایشان بجائی نخواهد رسید